سال دوم دوره دوم شماره پنجم

اداره : طهران خیابان اسلامبول

دوشنبه چهارشنبه جمعه

تك نمره ۸ شاهی

۳ شنبه ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۴۱

قرن بیستم

صاحب امتیاز ونویسنده اساسی : ر . میرزاده عشقی

۷ فوریه ۱۳۰۱ ۱۸ دلو ۷۱

ابونمان پیشکی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان
وجه اشتراك
برای محصلین . کارگران . و اعضاء اتحادیه‌ها ۵ تومان

قیمت اعلانات با دفتر است

قسمت سیاسی

بحران و کابینه آقای مستوفی الممالك

الحمدالله بحران انفدرها که موجب وحشت بود اثرات سوی نشان نداد و احتمال حتمی اینست که روز شنبه کابینه آقای مستوفی الممالك معرفی شود

مردم کمان میکردند که در نتیجه بحران ایا چه پیش آمد های سوئی رخ بدهد

مردم کمان میکردند که در اثر بحران از دهام ها در مساجد در معابر دیده شود ؟

مردم کمان میکردند که در طی بحران تمام چرخهای ادارات دولتی از کار بیافتد شیرازه تمام امور از هم پاشیده شود درصورتیکه همه اینها حرف بود و نتیجه هو جی گری طرفداران خائنین

بحران تا روز شنبه خاتمه خواهد یافت وتا امروز همه امور کشوری بهتراز ایام بر قراری کابینه ها در جریان بوده و خواهد بود

اما محذوراتی که بحران را ایجاب می نمود فوق العاده شایسته اهمیت است .

و ان این است که از قراریکه حس میشود تمام رجال کهنه و عناصر تازه بمیدان آمده داو طلب عضویتند همه میخواهند وزیر شوند چه که آقای مستوفی الممالك از طرفی یکی از رجال بزرك اصیل و نجیب و محبوب دربار و درباریانند

و از طرف دیگر آقای مستوفی الممالك یکی از عناصر آزادیخواه و پاك قلب و رعیت دوست معرفی شده اند .

این مسئله باعث شده است که رجال کهن سال و وزرا و زمامداران دوره اسبق که هرگز برای دخول در کابینه امثال قوام السلطنه تنزل نمی کردند همه مایلند اعضاء این کابینه باشند

و نیز آزادیخواهان و عناصر بر جسته جوان که هرگز راضی نبودند در دوره قوام السلطنه و امثال قوام السلطنه مصدر کاری باشند شایقند که در این کابینه افتخار مشارکت را حائز شوند

معلوم است درهمچو موردی هر کس باشد باید اقلا دوسه هفته فرصت مطالعه داشته باشد

باوجود این همه محاذیر اگر روزشنبه وزراء آقای مستوفی الممالك معرفی شوند می توان تصدیق کرد که رفع بحران باین زودی حاکی از یك شانس مهمی برای ایام زمامداری دولت آینده خواهد بود

قسمت اجتماعی

الفبای فساد اخلاق

هر کس پول دارد برای او باید کار کرد مسلك وجدان عقیده موهوم است

﴿ وثوق الدوله ﴾

این چهارمین مقاله ایست که در ذیل عنوان الفبای فساد اخلاق بنظر خوانندگان رسانیده ام در این چهارمین مقاله که شاید خاتمه باین مقالات مسلسل داده شود لازم دانستم تا اندازه اثرات محسوس الفبای فساد اخلاق را در جامعه ایرانی خصوصی طهرانی انشاء نمایم

در مقاله اول الفبای فساد اخلاق را هجی نموده ونیز ثابت کردم که متبکر این الفبا در ایران وثوق الدوله بوده است و در نتیجه آن نیز عقیده خود را راجع بوثوق الدوله بیان نمودم که : وثوق الدوله بعلاوه از بستن قرار داد ایران انگلیس یك گناه بزرگتریرا مرتکب شده و آن این است که الفبای فساد اخلاق را در جامعه تدریس نمود ، باین معنی که مردم را دله کرده احزاب سیاسی راکاسبی ازراه تغییر عقیده اموخت و بالاخره ایمان عقیده و وجدان را از اذهان اغلب ازادیخواهان محو نمود در مقاله سوم [الفبای فساد اخلاق] بیان نمودم که قسمت اعظم ازشاگردان کلاس خیانت آموزی وثوق الدوله بی تقصیرند در مملکت کار نیست پول نیست مردم بی کارند بی پولند معطلند باید نان بخورند چه بکنند ؟

با جمله فوق تقریبا بمردم بی پول برای سیر کردن شکم حق داده شد که به شاگردی وثوق الدوله مبادرت نمایند می خواهیم بدانیم کناه وثوق الدوله چیست؟

کناه وثوق الدوله اینست که بمردم مشق دله کی داد کناه وثوق الدوله این است ایمان سیاسی و وجدانرا موهوم معرفی کرد قبل از زمامداری وثوق الدوله همین مردم مثل امروز هم بی پول بودند هم نان میخواستند بخورند چرا ان روز سینه زن خائنین نمیشدند ؟ چرا ان روز از حلقوم احدی زنده باد قوام السلطنه شنیده نمی شد؟ چونکه امروز مردم نمی دانستند که میشود پول کرفت واین کلمات شرم اور را ادا کرد

اینها همه نتیجه تدریسات وثوق الدوله است اینهاهمه اثر تعمیم الفبای فساداخلاق است میخواهید بسنجید تا چه اندازه این الفبای منحوس محیط را فاسد ساخته یك مقایسه از ایام قبل از ظهور الفبای فساد آخلاق با این ایام که تقریبا این الفبا سر مشق امور سیاسی و معاشی اغلب از دسته جات سیاسی طهران شده است بفرمائید

خوب بخواطر بیاورید دوره سوم مجلس را همان ایامیکه بفشار روسها ورضایت انکلیسها سعدالدوله بیرئیس الوزرائی نامزد شد دیدید مردم چه کردند با آنکه سعد الدوله همان ایام همه باندازه حالیه قوام السلطنه ووثوق الدوله بد نام وخائن معروف نبود و بینی بین الله هیچ وقتی سعد الدوله طرف مقایسه باقوام السلطنه و وثوق الدوله نبوده و نخواهد بود

با وجود همه اینها دوره زمامداری ایشان در اثر هیجان عمومی از هیجده ساعت تجاوز ننموده

یاد آن ایام بخیر !!

آن ایام ایا می بود که اگر کسی عبورش ازخانه وثوق الدوله یا قوام السلطنه می افتاد دیگر رو نداشت که در هیچ جمعیتی اظهار حیات نماید

ان ایام ایا می بود که جمله (هر کس پول داد برای اوباید کارکرد وجدان عقیده مسلك موهوم است)

ازدهان هر کس بیرون می آمد بعدد حروف این جمله محبوس در دهن کندیده او سرب جا میدادند

وثوق الدوله ان ایام را ازماگرفت وکاری کرد که در همان محیطیکه دوره زمامداری سعد الدوله از هیجده ساعت تجاوز نمی کرد یکسال یکسال قوام السلطنه زمامدار میماند دو سال دو سال وثوق الدوله در آن دیکتاتور میشود صارم الدوله والی فارس و سردار معظم بحکومت کرمان منصوب میکردد زدی زرنکی نامیده میشود دوستی بیعرضه کی

افسوس ؟ افسوس ؟

این شد عاقبت بن محیط ! !

و تمام این بدبختی اثر شیوع این الفبای منحوس فساد اخلاق یعنی رواج این جمله پلید است .

(هرکس پول داد برای او باید کار کرد وجدان و عقیده موهوم است)

حالا ما اگر واقعا بخواهیم ریشه این شجره خبیثه را از بن بکنیم باید وثوق الدوله و عموم همدستان وثوق الدوله را بچوبه دار تحویل بدهیم

ولی این کار از ما که فقط حرف میزنیم ساخته نیست کاری که برای ما در حدود امکانست این است که :

بای معلم اول و دوم الفبای فساد اخلاق را از ایران ببریم یعنی نگذاریم وثوق الدوله دیگر روی ایرانرا به بیند و قوام السلطنه را هم بفرستیم یك چندی در خدمت برادر مکرمشان هرای اروپا تنفس فرمایند

این کار احتمال دارد از ما ساخته شود اگر این کار را بکنیم ممکن است تا اندازه از شیوع فساد اخلاق و کاسبی از راه عقیده جلوکیری شود و اگر در این طریق اقدام ننمائیم سه چهار ماه دیگر قوام السلطنه رئیس الوزراء و هفت هشت ماه دیگر وثوق الدوله در ایران است و یك قسمت ایران ضمیمه هندوستان انوقت دیگر نه مقاله نه شعر نه تحصن نه متینك نه هیچ کونه اقدامی برای ما ممکن خواهد شد و هر یك از ماهها در یکی از بلاد هندوستان یا شهر های دور دست ایران بنام تبعید شده دعا کو خواهیم بود

میرزاده عشقی

خری از گلستان باغی گذشت
بسی گل بره دید و وقعی نهشت

نسنجید کان جلوه گل ز چیست
نفهمید فریاد بلبل ز کیست

قضا را بجائی که ره تنك بود
بسی شاخه در راه آونك بود

طبیعی است بر جسم آن شاخسار
همان سان که گل بود بدنیز خار

سر خر در آن شاخها گیر کرد
بسی سر بر آورد و سر زیر کرد

سر و روی وی اندر آن شاخسار
بیازرد و گلگون شد از زخم خار

بیا بنگر اینك خر بی تمیز
که وقعی نمی هشت بر هیچ چیز

هر آن خار بر گردنش می نواخت
بر آن خیره میکشت تا می شناخت

مدام از دم آن حذر می نمود
بر آن عاجزانه نظر می نمود

چو بر خر زگل هیچ زحمت نبود
نمی دید گل نیز دارد وجود

***

سرودم ازاین ره من این داستان
که بینم در این کشور باستان

رجال خیانت کر آنسان خرند
که براهل فضل و هنر نفکرند

ز آزار هرکس حذر میکنند
بر او با تواضع نظر میکنند

و از این روی موذی کری کارها
هیا هوچیان دولت آزار ها

دراین دوره هریك مقرب شدند
همه صاحب کار ومنصب شدند

ولی همچو گل هرکه خوش رنك وپوست
بصورت نکوی و بسیرت نکوست

حکیم و سخن دان و عالم بود
گناهش همین بس که سالم بود

بدو می ندارند هرکز نظر
بدین جرم کورا نباشد ضرر

(ر . م . عشقی)

ضد عفونی بر علیه مکروب موذی پروپاگاند وثوق الدوله

من وقتیکه اسم وثوق‌الدوله را می‌شنوم . بقدری مشمئز می‌شوم که خیال میکنی قاتل پدرم را نام‌برده اند

و وقتیکه صحبت او بمیان میاید بقدری بدم میاید که در هنگام تفکر و مهیا شدن از برای ادای جواب طرف بایك تشنج و اضطراب فوق‌العاده مواجه میشوم !

این مطالبی را که می نویسم از روی عقیده خودم است ، وگمان نمی‌کنم کسی حق اعتراضی بر من برای این مطالب داشته باشد مگر آنکه منکر آزادی عقیده باشد و بعقیده دیگرانهم کاری ندارم

البته هر کس عقیده و فکر خاصی دارد ، پس من چکار بسایرین دارم احساسات وعقیده خودم را راجع بوثوق‌الدوله ابراز میدارم

اگر بر تاریخ زمامداران مراجعه کنیم بعقیده من وثوق الدوله صفحاتیرا که از تاریخ اشغال کرده و سطوری که باو اختصاص داده شده از همه سیاه تر و ننگین تر خواهد بود .

وثوق‌الدوله بیك مملکتی خیانت کرده ، وثوق‌الدوله یك جامعه کهن‌سالی را در مقابل ثمن بخس یعنی چندصد هزار لیره باجانب فروخته وثوق‌الدوله جمعیت وعظمت یك ملتی را بباد فنا داده ، وثوق‌الدوله سر آن یك ملت و ازادیخواهان یك مملکتی را دستخوش اغراض پلید خود کرده ! و بالاخره وثوق‌الدوله اخلاق یك قوه شرافتمندی را فاسد کرده است ؟

اگر امروز یك عده رجاله حقه‌باز ، ویك مشت اشخاص پس فطرت بنام دفاع از وثوق الدوله قلم فرسائی میکنند تقصیر متوجه خود وثوق‌الدوله است ، زیرا که او اخلاق جامعه را باین درجه فاسد کرده که بنظر لاقیدی و بی اعتنائی بدان سطور نگاه کنند :

اگر بقول آقای عشقی وثوق‌الدوله فرزندان وطن را بدبستان سیاست برای تحصیل الفبای فساد اخلاق اعزام نداشته بود ، امروز حس انتقام تا این درجه از جامعه سلب نشده بود و بان سطور ننگین و دستهای آلوده که با انگشتان لرزان قلم ناتوان خودرا برصفحه کاغذ آشنا می‌سازند بانظر لاقیدی آنهم دورادور نگاه نمیکرد .

پس بهرحال وثوق الدوله مقصر است

بعقیده من برای خیانتهای قوام‌السلطنه هم وثوق الدوله مقصر است چه که :

اگر آن اخوی مکرم خیانت را سرلوحه مرام و مقصود خویشتن قرار نداده و جنایت را پیشه نمیساخت : قوام السلطنه تا اینقدرجه نسبت بجامعه و مملکت خیانت نکرده و پنجه های خود را خونین نمی‌نمود !

امروز یك مسئله که عمومیت پیدا کرده ، و یك مطلبی که چندی است مورد بحث واقع شده موضوع وثوق‌الدوله است !

موضوع خیانت وثوق الدوله نقل مجالس و ورد زبانها شده و میخواهم بگویم اکثریت اهالی این کشور برعلیه وثوق‌الدوله بوده و معتقدند که وثوق‌الدوله اول شخصی است که کوی سبقت را در میدان خیانت از همگنان ربوده است ، ولی با این حال می‌بینیم که ابد تغییری در حالی جامعه پیدا نشده و از خودسری زمامداران نمی کاهد .

آیا ابراز اینهمه احساسات تنفرامیز بر علیه وثوق الدوله تغییری در ماهیت نور چشم عزیزش قوام السلطنه داد ؟

و آیا قوام السلطنه پس از مشاهده ابراز این احساسات ! بدورهٔ خیانتکاری خود خاتمه داده و یا لااقل به تخفیف آن اعمال نن در داد ؟

هرگز . . . ! !

پس چه باید کرد ؟ بحرف اینکه وثوق الدوله یا قوام السلطنه خائن ، دزد ، جنایتکار ، مزدور اجنبی است نتیجه حاصل نخواهدشد .

چارهٔ اساسی باید کرد .

بعقیدهٔ من چارهٔ اینکار سهل است

به صفحات تاریخ نظر افکنید و بادیدهٔ عبرت سطور آنرا بنگرید ، بر شما ثابت خواهد شد که چارهٔ اینکار فوق‌العاده سهل و آسان است

پردور هم لازم نیست بروید و در تنگنای فکر اقتضای زمان و غیره بیفتید قضایای یکی دوماه قبل را در نظر بیاورید بطرف یونان متوجه شوید ، دیگر کار تمام خواهد شد .

آیا وزرای یونان چه کرده بودند که همه اعدام شدند ؟

آیا غیراز یك خیط جرم دیگریهم متوجه آنان میکردید ؟

بعقیدهٔ طرفداران وثوق الدوله ، اگر وثوق‌الدوله دچار خیط سیاسی شده باشد کوچکترین مجازات او اعدم است .

وزرای یونان هزار مرتبه کمتر از وثوق‌الدوله با قوام‌السلطنه خیانت کرده بودند و دیدید بمجازات خود رسیدند .

حال نباید وثوق الدوله و قوام‌السلطنه را اعدام کرد ؟

من عقیده دارم که تاکنون هرچه باید احساسات ملی خود را بروز دهید دادید و بحمدالله مورد تحسین هم واقع گردیدید حال باید از حرف کناره کرده و به محیط عمل وارد شوید .

باید عملی شد ، عمل را پیشه ساخت

باید خون ریخت که جز این چاره نیست .

ملت فرانسه بوسیله خون سعادتمند گردید .

ملت روسیه در روی امواج سهمگین خون فرشته عدالت را برفراز سر خود دیده و محبوبه ازادی را در آغوش کشید

پس باید بعوض قلم شمشیر بدست گرفته و مشغول فصد شد

وثوق‌الدوله بگفتن خوب نخواهد شد — قوام السلطنه با نوشتن محبوبه ارتجاع را از اغوش خویشتن نخواهد افکند باید اینها را در محکمه افکار عمومی محاکمه نموده و تسلیم مجازات کرد .

باید صفحه گیتی را از لوث وجود اینان پاك و مطهر ساخته و زمین را بخون اینان رنگین ساخت .

باید این اخوان کرام را برادر وار بچوبه دار آویخت و ملت ایرانرا بعقیده طرفدارانشان بی پدر ساخته و ایرانرا بی صاحب کرد ! !

تاجامعه دارای حس انتقام نگردد . تا ملت انتقام خود را باز نستاند تامحیط عمل ایجادنگردد تاخون ریخته نه‌شود تا بحرف‌خاتمه داده نشود ، ایران اصلاح نخواهد شد و وثوق الدوله ها و قوام السلطنه ها زمام دار خواهند بود

پس باید انقلاب شروع شود و نهضت ملی ایجاد گردد و قوام‌السلطنه ها و وثوق‌الدوله‌ها محو و نابود شوند تاطایرسعادت وفرشته ازادی برسر این قوم پرواز کرده و پرچم نیرومندی و ظفر باهتزاز آید

« محمد وزیرنظامی »

آقای وزیر نظامی آری باید انقلاب کرد ولی باید قبلا رجال انقلاب را تهیه نمود و این رجال را باید دارالفنون تهیه به‌بیند درست است که انقلاب باید بدست قوام اجرا گردد ولی مقدمه انقلاب را باید درس خوانده‌ها تهیه نمایند

یعنی آنهائیکه میفهمند از چه‌راه انقلاب می توانند بجامعه استفاده بدهند ومتاسفانه ما امروز فاقد این قبیل اشخاصیم امروز ماقط باید انقلاب را پروپاگاند کنیم

مکاتیب وارده

مکتوب خوش من

فحش ازراه بیچارگی

قابل توجه اداره جلیله نظمیه

آقای مدیر محترم — روزنامه قرن بیستم دیروز گذشته یکساعت بظهر ازخیابان شاه آباد میگذشتم هوا بسیار سرد بود باران با برف مخلوط میبارید خیابانها همه الهته بمناسبت بارش چندین روزه هر کدام یك رودخانه تشکیل داده که بجای اب روان از گل روان مملو بود بنده صد قدم‌ازخیابان را طی کرده بودم که یکمرتبه صدای رعد آسای یك اتو مبیلی بنده را بعقب سرمتوجه ساخت بمحض اینکه بر گشتم نگاه کنم‌دیدم یك اتو مبیلی در سرحد سرعت رسید و از بنده گذشت ولی یکمرتبه خیابان‌صورت غریبی بخود گرفت یعنی بنده دیدم بین سه باران سیر التقادم یکی باران طبیعی که از آسمان میبارید یك باران آب و گل مخلوط بهم از زمین بسمت آسمان و طرفین‌خیابان سر و روی عابرین و کسبه که در دکانها نشسته بودند و روی اسباب و اشیائی که از هر قبیل در دکانها داشتند پاشیده میشد تا اینجاتعجب نخواهید فرمود زیرا که لازم و ملزوم این خیابانها و این نوع اتومبیل راندن همین است ولی البته یقین‌دارم‌ازباران سوم خیلی تعجب خواهید کرد که چه‌بارانی است واقعا هم جای تعجب است زیرا که در همچه موقعی باران نمی شود فرض کرد ولی چون بنده برای العین دیدم این است که عرض می کنم و آن باران فحش بود که از عابرین و کسبه بیچاره بسر و صورت مسافرین محترم اتومبیل میبارید

و بنده تا انتهای خیابان شاه آباد کارسیدم دیدم این باران بشدت می بارد و غوغائی در سر تا سر خیابان پدیدار شده است بلی تنها کسی که فحش نمیداد بنده بودم با اینکه غرق گل شده بودم و علت این که بنده ساکت بودم این است که آن کسبه و عابرین را حس می کردم که از راه بیچارگی که برای اطفاء حرارت درونی‌این فحش ها را میدهند ولی بنده خود را بیچاره نمیدیدم و چاره اندیشیدم که شرح این منظره کثیف رقت بار را حضورت تقدیم داشته که در آن نامه گرامی درج فرمائید حقیقه ملاحظه بفرمائید دیدن این مناظر هرانسان سلیم النفس را عصبانی می کند و این قسم حرکت دو این خیابانها چندین سبب دارداولا از نقطه نظرمذهبی این گل و لای که بلباس عابرین و اشیاء دکاکین و روی نان و میوه ها و گوشت و چیز های دکان بقالی‌و غیره میپاشداحتیاط دارد و چقدر مردم بیچاره در زحمت واقع میشوند ثانیا از نقطه نظر حفظ الصحه‌بد است زیرا که این هامعلوم نیست که از چه ترکیب شده است(اگر چه‌معلوم است) که زوی هر کدام از خوراکی هابریزد مخالف حفظ الصحه میباشد ثالثا با این سرعتی که اتومبیل حرکت می کند و البته راکبین ان هم از حال طبیعی خارج هستند و الااجازه نمیدهد اتومبیل باین سرعت در خیابانهای شهر آنهم در همچه موقعی حرکت کند ممکن است از انضفا و تقراکیکه ازکثرت سردی هوا وضعف از نخوردن غذا قادر بحرکت طبیعی نیستند لکد کوب این مراکب برق سیر اقایان واقع شوند و باین زندگی تلخ نا گوار خود خاتمه بدهند

آقای مدیر بلده که هرچه فکرکردم علت این اندازه سرعت را نفهمیدم قبول بفرمائید که مثل سریعترین راه آهنهای [اکپرس] حرکت میکرد و بنده‌گمان نمی کنم پاك یقین دارم‌در ایران هیچوقت همچه موقعی پیدا نمیشود که لازم شوداین قدر سریع آن هم در شهر و روز گل‌و باران حرکت کرد حالا نمیدانم حضرت مستطاب عالی در موضوع بارش آن باران سیم چه عقیده دارید واداره جلیله نظمیه آیا اجازه میدهند که حرکات اتومبیل‌ها همین طور باشد یا یك میزانی برای سرعت‌سیر این مرکب در شهر معین خواهند نمود

عبد الکریم کسرائی

**

آقای کسرائی

آن صاحب اتومبیل را مردم ببخود فحش میدادند چه کاینطبقه یك عده‌خود خواه بی عقلی هستند و به بی عقل نباید فحش داد بلکه انهارا باید عملا تنبیه‌کرد تا آدم شوند

می گوئید چگونه ببعقلند بدلیل‌این که اگر تمام این اتومبیل سوارهای طهران پول اتومبیل‌خودشان‌را روی هم‌میگذاردند ممکن بود در چهار پنج خیابان طهران واگون برقی تاسیس کنند که هم‌خود ان ها از ان واگون برقی استفاده اتومبیل بکنند و هم در ماه یك مبلغی سهم‌از بابت منافع واگون برقی در یافت بدارند و هم از جناب عالی و امثال ما ان قدرفحش نخورند

ولی چون بی عقلند ما نباید بانها فحش‌بدهیم باید مشت‌مشت توده گلی که‌در اثر عبور اتومبیل سریع السیر آن ها به پست کردن ما خورده است آنهارابه‌پشت گوش نیاندازیم و هیچ وقت فراموش نکنیم تا در موقعش یك روز جمع شده این‌ها را از این اتومبیل ها پیاده کنیم

و بان ها بگوئیما برای شما بس است‌حالا نوبه دیگرانست

[قرن بیستم]

حضور اقای مدیر محترم جریده فریده

قرن بیستم

نویسنده این سطور مدتی است از کثرت گرفتاری و ملاحظه نا ملایمات در این محیط مملو از فساد ومدینه بد اخلاقی مهموم و مغموم هستم و اغلب را بحال این سر زمین نوحه سرائی میکنم و چون خدای پاریس و خالق لندن ارحم الراحمین است کاهی هم بفریاد من میرسد وا سباب فرح و شادمانی بنده را هم فراهم میکند که قدری میخندم از جمله دیروز گذشته روز قسامه شریفه قرن بیستم را زیارت میکردم رسیدم بشرحی که در شکایت از امیر افشار مرقوم فرموده بودید تا انجا که مظلمین چون از ادارات دولتی مایوس هستند ملتجی بافکارعمومی وجراید ومطبوعات می گردند در آنجا بی اختیار خندیدم و یقین دارم در صورتیکه جنا بعالی از سابقه مراجعه من بافکار عمومی و روز نامجات داخله و خارجه مطلع شوید یقین

دارم قلم را زمین میگذارید و انقدر ها عصبانی و امیدوار نمی باشید و مدتی مثل من خنده میفرمائید

آقای من اگر ایرانی امروزه دارای فکر و روزنامه بود باین روز سیاه نبود و باز اگر ایرانی لایق زندگانی قرن بیستم بود وکلائی مثل سید یعقوب شیرازی و شیخ اسدالله محلاتی معلوم الحال و رئیس الوزرا هائی امثال وثوق الدوله و قوام السلطنه و وزرائی مثل مشارالسلطنه وعمید السلطنه وفهیم‌الملك و امثال ذالك نداشت چه توقع دارید

اگر این مملکت اصلاح شدنی بود البته حضرت آقای سید ضیاء روحی فداه اصلاح نموده بود

اگر جنابعالی زبان حال و زبان قالتان موافق است فکری برای تهذیب اخلاق اینمردم بد بخت بکنید و اسباب تعلیم اجباری اهالی را فراهم بیاورید تا نتیجه بگیرید والا این همه فریادیکه برای انقلاب میزنید بی اثر خواهد بود و فرضا هم اسباب انقلاب فراهم شود تازه مثل مشروطیت خواهد شد

آقای بزرگوار من آن رنجبر تیره روزی راکه برای تهیه انقلاب دعوت میفرمائید چه میداند انقلاب خوردنی یا پوشیدنی میباشد جزاینکه ایران هم مثل روسیه بشود چه نتیجه دارد

خوبست بچهٔ اهالی این مملکت فکر فکر مدرسه کرد

خداوند متعال را شاهد میگیرم در همان روز اول که مقاله نهضت الفبا را که درروز نامه شفق سرخ بامضای شما خواندم بشما دعا کردم چرا که دوای ایران مریض فقط وفقط مدرسه است لاغیر اگر مصارفیکه در این مدت شانزده سال در راه تشکیل وزارتخانه ها و ادارات طویل و عریض آنها کردند نصف آنرا بمصرف مدرسه رسانده بودند حالا ایران بهشت برین شده بود

همان ادمیکه کرسی نشین عمارت بهارستان شده و اگر حکم صریح طالب العلم فریضه علی . . . بموقع اجرا گذاشته بود و دست از منافع و خیانت کاری بر میداشت امروز ایرانی تکلیف زندگانی خود را میدانست جسارت کردم معذرت میخواهم

علیمحمد منفرد

❀

آقای میرزا محمد علیخان منفرد مکتوب جنابعالی دارای یك لحن تنقیدی نسبت به نویسنده قرن بیستم بود وشاید چنین مکتوبی را اگر برای یك روز نامه دیگری می نوشتید اصلا چاپ نمی کرد

ولی ما برای انکه اعلال کرده باشیم که کسی اگر نویسنده و کارکنان یك روز نامهٔ را بادلیل تنقید نماید باید انرا درج کرد منتها اگر جوابی هم داشته باشد در ذیل آن می تواند ثبت نماید بهمین دلیل مکتوب جناب عالی را طبع نمودیم

ولی اینرا دانسته باشید که تعمیم معارف بی انقلاب نتیجه ندارد یعنی بی انقلاب معارف تعمیم نمیشود فرض بفرمائید که ما انقلاب نکنیم و همیشه در جرائد بنویسیم معارف را باید تعمیم کرد وزیر معارف ما کیست؟ آقای محتشم السلطنه از شما سؤال میکنم آقای محتشم السلطنه هر کس بمقالات ما راجع به نشر معارف ترتیب اثری خواهند داد . خیر

پس فا گزیریم که وزارت معارف را از محتشم السلطنه و رزیم محتشم السلطنه بگیریم و کسی را بجای محتشم السلطنه بگذاریم که مقالات تعمیم معارف را در جرائد تا خوانده خودش جدا با تمام قواء فکری برای تعمیم معارف بنماید و ازبرای اینکار انقلاب لازم است

بی انقلاب اینکار صورت نمی گیرد حاج محتشم‌السلطنه ورزیم ایشان خودشان صندلی وزارت را خالی نمی کنند

ایشان و رزیم ایشان را بزور باید بیرون کرد

همین معامله انقلاب است

ولی در اینجا به یك محذوری بر می خورم و ان این است که انقلاب باید بدوا با دست یکعده تحصیل کرده نقشه‌اش ریخته شود

پس انقلاب معارف لازم دارد ومعارف هم انقلاب لازم دارد این مسئله دور پیدا کرده است

نه میتوان معارف‌را مقدم برانقلاب محسوب داشت و نه میتوان انقلاب را بر معارف مقدم شمرد

پس ما مجبوریم هم مقالات در لزوم تعمیم معارف ترویج کنیم و هم مقالات دو تهییج انقلاب بنظر عموم برسانیم

چنانچه ملاحظه فرمودید نویسنده قرن بیستم پس از مقاله نهضت الفبا فورا مقالات عید خون را در جریده شریفه شفق سرخ منتشر ساخت

اما اینکه از انقلاب روسیه تنقید فرموده اید این مسئله بر ما که در طهران بزرك شده ایم و انقلاب را فقط عبارت ازعوض کردن شاه میدانیم انهم باخون ریزی خیلی مختصری و یك هیاهوی مسالمت کارانه نیامده است

انقلاب روسیه انقلاب روسیه است اگر قابل تنقید باشد بگذارید نویسندگان بزرك آلمان و فرانسه آن انقلاب راتنقید کنند ما ها کوچکیم برای اینکار اگر نظرتان باین است که یك چندی مردم روسیه از قحطی در فشار بودند و کرور کرور از ان ملت تلف شد واین درنتیجه انقلاب بوده است

آقای من انقلابی که میخواهد اصول زنده کی یك ملت دویست کروری را یك مرتبه تغییر بدهد وآخرین سیستم زندگانی نوع بشر را بدنیا درس بدهد تلف شدن چند کرور برای این عمل هیچ اهمیتی ندارد

(قرن بیستم)

محاکمه آقای موسوی زاده

صبح یکشنبه همان هفته محاکمه آقای موسوی زاده شروع شد مدعی‌العمومی بنام دفاع از حقوق عموم در این محاکمه خواستند که از حقوق اعلیحضرت دفاع کرده باشد

صد ما از ذکر این سطور بیان خبر نیست چه که این خبر را اغلب جرایدو روز قبل اشاعه دادند مقصود ما این است که اظهار بشاشت و خشنودی از این واقعه کرده باشیم

چه که این مسئله باعث این میشود که خورده خورده مطبوعات اصلاح گردد و خیلی خوشحالیم که ابتدا از طرف اعلیحضرت مبادرت باین امر خیر شد

اگر چه یقین داریم که آقای مدیر قیام در این محاکمه یك اینده میمونی راشاملند ولی بایشان نیز تبریك میگوئیم و امید واریم که بالاخره این محاکمه با یك صورت اصلاحی خاتمه یابد ولی این محاکمه مقدمه شد برای انکه قلم انگشتانیکه یك روز بیك راخاك میکنند و فردایش او را پاك می کنند شکسته شود و دیگر بعناصر سست عقیده کاسب اجازه داده نشود که خود را از متصدیان مطبوعات ولسان ملت معرفی نمایند

و یك مسئله دیگر که فوق العاده قابل خوشنودی است این است که بوسیله این محاکمه اعلان شد که هم اعلی حضرت همایونی بشرافت علاقه مندند و هم اظهارات مطبوعات یك قسمت و اهمیتی دارد که باید باها وقع گذارده شود وچنان چه خبر غیر واقعی نسبت بیك عنصر شرافتمندی در یکی از جرائد مهم درج شود باید بوسیله محاکمه ان را از اذهان خارج نموده

حالا باید باقای قوام السلطنه گفت که اقای قوام السلطنه اگر شما هم بشرافت عقیده داشتید چرا با این همه نسبت هائیکه در جرائد بشما میدهند یك نفر از مدیران جرائد را تا بحال بمحاکمه دعوت نکرده اید

از این قرار معلوم میشود که شما بشرافت عقیده ندارید

[قرن بیستم]

رباعی

غیر جدی

بدبختی ملت همه از غره بساخ است — دیوان عدالت بنگر تالی بلخ است
از مجلس و عدلیه و نظمیه گذشتیم — رحمی بنمائید که نانها همه تلخ است

سید حسین مدنی مترجم نظام

تکذیب دموکرات های زره پوش

شرحی از طرف دموکرات های زره پوش با کاغذ مارك دار ومهر دموکرات زره پوش بضمیمه یك ورقه در خو است طبع ان باداوه رسید

ولی چون قبل ازاسم قوام السلطنه حضرت اشرف گذارده شده بود ودر روزنامه قرن بیستم کلمه حضرت اشرف ممکن نیست [جزدراعلانات پولی] هیچوقتی ذکر بشود حتی برای مستوفی الممالك که نویسنده قرن بیستم بایشان عقیده دارند چه برسد بقوام السلطنه خائن ما از درج آن خود را معذور دانستیم ولی مفاد ان را ذیلا بنظر عموم می رسانیم

در ان کاغذ نوشته شده بود که دموکرات زره پوش منحل شده است وکسی حق ندارد که بامضای دموکرات زره پوش عقیده انتشار بدهد و ما مهر کننده این ورقه هیئت مؤسسه دموکرات زره پوش هستیم و بقوام السلطنه عقیده داریم و اظهاراتی را که بر علیه قوام السلطنه در جرائد طوفان و گلشن بامضای دموکرات زره‌پوش شده است تکذیب می کنیم

خیلی غریب است در یك چند سطر ان ورقه نوشته شده است که فرقه دموکرات زره پوش منحل شده است و کسی حق ندارد با این عنوان عقیده انتشار بدهد و سپس در ذیل این سطور نوشته اند که دموکرات زره پوش به قوام السلطنه عقیده دارد

معلوم نیست کدام یك از این دو مفهوم متضاد را باید قبول کرد

[قرن بیستم]

جشن

چون گروه تعاون مردان کار در روز ولادت باسعادت حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها جشنی برپا خواهند نمود از عموم اقایان اهالی پایتخت دعوت مینماید که در یوم چهار شنبه ۲۰ شهر حال از ساعت دو الی پنج بعد ظهر در این سرور دینی شرف حضور بهم رسانند

گروه تعاون مردان کارگر

آدرس —— چاله حصار منزل آقای اسان لمحققین

اخبار داخله

در مجلس

دیروز در مجلس مذاکرات مهمی نشد فقط در موضوع امتیاز کبریت سازی در طهران یا ماکلدراو به تجارتخانه اسلامیه برای مدت ده سال مذاکراتی از طرف نماینده کان مختلف ایراد شد وبقیه مذاکرات موکول بجلسه آینده گردید

نماینده کان غارت زده کان ارومیه

دیروز دوساعت قبل از ظهر نماینده کان غارت زده کان ارومیه با اقای رئیس الوزراء ملاقات نموده وهریك نطق رقت‌اوری راجع به بدبختی ارومیه و جلب نظر دولت برای کمك وهمراهی با اهالی ستمدیده آن سامان ایراد نمودند و در خاتمه بیانات انها آقای رئیس الوزراء اطمینان دادند که دولت در آینده تا بتواند در رفع بدبختی وبیچارگی اهالی ارومیه خواهد کوشید

یکی از نماینده کان فلاکت‌زده های ارومیه اظهار داشت که اشوریها در خاك ارومیه شروع بخریدن اراضی نموده‌اند و مردم هم چون بی پولند اراضی که صدهزار تومان قیمت دارد به هزار تومان میفروشند آیا دولت از این بابت هم فکری خواهد کرد

آقای رئیس الوزراء نوید دادند که دولت موازی در این خصوص اتخاذ خواهد کرد که از این مسئله هم جلوگیری شود

تعطیل وزارتخانها

امروز بمناسبت تصادف باعید ولادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام اغلب از وزارتخانها وادارات دولتی تعطیل خواهد بود ودر بعضی از مجامع ملی مجالس جشن منعقد است

ورود سفیر کبیر

جناب محیی‌الدین پاشا سفیر کبیر عثمانی با همراهانشان که قریب بیست نفر میشود امروز وارد مرکز خواهند شد و چون سابقا معمول بوده در موقع ورود سفراء و وزرای مختار بسرحد از طرف دولت بطور کلی میهمان دار مخصوص اعزام و لازمه احترامات را مجرا میداشتند مخصوصا نسبت بنمایندگان محترم عثمانی که سمت سفارت کبرا رادارند بیشتر مراسم پذیرائی واستقبال تهیه میشد ولی چندایست که موافق مقررات عمومی پذیرائی منسوخ و متروك شده اینکه رسما اقدامات سابق از طرف دولت نسبت بعزی الیه معمول نگردیده و فقط نمایندهٔ دولت از طرف وزارت امور خارجه برای ملاقات در موقع ورود تعیین و رعایت مراتب مودت وبروز احساسات صمیمی کاملا ملحوظ میشود

و نیز از طرف عناصر ملی و تجار محترم برای مراسم تجلیل و احترامات ایشان در رشت و قزوین و نیز درطهران کاملا اجرای مراسم پذیرائی تهیه شده و برای تبریك ورود مقدم ایشان حسن استقبال بعمل امده است